

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نردوی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۹۷ - یکشنبه ۹۲/۲/۲۹

شهید صدر رحمته الله در ادامه می‌فرماید: اگر قبل از ملاقات، یکی از دو طرف علم اجمالی بعد از ثبوت علم اجمالی مفقود و نابود شود؛ مثلاً إناء «ب» از بین برود سپس لباسی با إناء دیگر ملاقات کند، در این حالت نیز با همان علم اجمالی اول باید از این ملاقی اجتناب کرد و طبق معیاری که ذکر شد نمی‌توان در این ملاقی اصل مؤمن جاری کرد؛ زیرا اصل مؤمن ملاقی دیگر با آن معارضه خواهد کرد؛ به دلیل آنکه هم‌زمان با علم اجمالی اول دانستیم ملاقی «الف» یا ملاقی «ب» واجب‌الاجتناب است و اصل در هیچ‌کدام جاری نبود، اکنون نیز نمی‌توانیم اصل مؤمن را در طرف ملاقی «الف» جاری کنیم.

إن قلت: اصل زمانی با اصل دیگر معارضه دارد که جاری گردد؛ یعنی موضوع آن بالفعل موجود باشد، ولی اگر اصلی جاری نباشد چگونه می‌تواند معارضه کند؟! به تعبیر دیگر وقتی ملاقات رخ دهد و شک در طهارت و نجاست ملاقی شود می‌توان گفت مثلاً اصل طهارت در آن جاری است و چون با اصل طرف دیگر معارضه می‌کند ساقط می‌شود و إلا اگر جریان اصل مؤمن فی نفسه محقق نبود نمی‌تواند معارضه کند. در صورتی که طرف «ب» مفقود باشد اساساً چیزی وجود ندارد تا شیئی با آن ملاقات کند، چه رسد به اینکه گفته شود اصل مؤمن ملاقی طرف مفقود با اصل مؤمن ملاقی «الف» با هم معارضه می‌کنند. بنابراین چنین کلامی صحیح نیست و ملاقی «الف» دارای اصل مؤمن بدون معارض است.

قلت: ما نیز قبول داریم که زمانی دو اصل تعارض می‌کنند که هر دو جاری باشند، اما با بیانی که ذکر خواهیم کرد متوجه خواهید شد لازم نیست به معنایی که گفته شد، اصل مؤمن جاری باشد.

توضیح مطلب

اگر ملاقاتی رخ دهد، با اجرای اصل مؤمن حرمت وضعیه‌ای که رفع می‌شود اگر غیر از حرمت وضعیه‌ای است که از اول معلوم بوده است، این خلاف فرض ما است؛ چون قبلاً اثبات کردیم حرمت وضعیه از اول موجود بوده است و حرمت وضعیه‌ی دیگری هم نداریم و اگر بخواهیم همان حرمت را نفی کنیم معنایش نفی حرمتی است که فعلی است اما حرام آن استقبالی است و چنین کاری به معنای مخالفت قطعیه‌ی عملیه با حرمت است؛ زیرا وقتی ملاقات در یک طرف محقق شد، با اجرای اصل در ملاقی یک طرف ولو ملاقی طرف دیگر محقق نشده باشد اما چون حرمت وضعیه‌ی آن علی‌الفرض فعلیت دارد و با ملاقات، تنها حرام فعلی می‌شود و لذا بنابر تقدیر ملاقات خارجاً اگر اصل مؤمن جاری شود معنایش آن است که می‌خواهیم با اصل مؤمن همان حرمت فعلی را که از اول بوده نفی کنیم و چنین چیزی همان مخالفت قطعیه‌ی عملیه با حرمت فعلی است.

در نتیجه به اعتبار حرمت فعلی نمی‌توان در ملاقی هیچ‌کدام اصل مؤمن جاری کرد، حتی اگر طرف دیگر مفقود شده باشد؛ چون حرمت توضع به این ماء، موضوع آن نجاست الآن نیست اگرچه حین وضو ظاهر شود، بلکه نجاست آب در حین وضو موضوع حرمت وضعی از اول می‌باشد. در این هنگام اگر اصالة الطهارة در آب در زمان وضو به آن جاری شود از همین الآن حرمت وضعیه را نفی می‌کند که فعلی است، پس حتی در فرض تحقق ملاقات، اصل جاری نمی‌شود؛ چون متعارض خواهد شد با اصل جاری در طرف دیگر قبل از خروج از محل ابتلاء، پس تساقط می‌کنند.

استدراک

شهید صدر رحمته الله گرچه معتقدند حتی اگر یک طرف مفقود شود ضربه‌ای به حرمت وضعیه‌ی لازم‌الرعاية نمی‌زند، با این حال این استدراک وجود دارد که اگر ملاقی چیزی نباشد که حرمت وضعیه دارد، در آن صورت اجرای اصل مؤمن در ملاقی بلامعارض است.

به عنوان مثال دو إناء «الف» و «ب» وجود دارد و «ب» از محل ابتلاء خارج می‌شود و سپس یک بطری عرق بیدمشک با إناء «الف» ملاقات می‌کند. در این حالت می‌توان عرق بیدمشک را مصرف کرد، به خلاف حالتی که به جای عرق بیدمشک، آب وجود داشت؛ زیرا اصالة الطهارة در بیدمشک جاری است و حرمت وضعیه وجود ندارد زیرا توضع به آن جایز نیست و پوشیدنی نیز نمی‌باشد، به خلاف مثال آب که دارای حرمت وضعی عدم جواز توضع به آن است.

بنابراین در این عرق بیدمشک شکّ در فعلیت حرمت تکلیفی شرب آن وجود دارد که مجرای اصل مؤمن است و این اصل با اصل مؤمن طرف «ب» معارضه نمی‌کند؛ زیرا طرف «ب» قبل ملاقات مفقود شده است و نه خودش و نه ملاقی آن نمی‌تواند موجب تشکیل علم اجمالی منجز باشد.

شهید صدر^{علیه السلام} در ادامه بیان می‌کند حتی اگر ملاقی آب باشد می‌توان از دو حیثیت به آن نگاه کرد؛ از حیث حرمت وضعیه آن نمی‌توان با آن وضو گرفت ولی از حیث شرب مانعی ندارد و از مواردی است که به خاطر جریان اصل عملی، بین دو حکم وضعی و تکلیفی تفکیک می‌شود.

مقرر: سید حامد طاهری